

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۵۴۰۱۹۸۰۵ • ۴۴۰۱۹۸۰۵ تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شتر

یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۴ • ۱۶ صفر ۱۴۴۷ • ۱۰ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۷۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۰۹ • اذان صبح فردا ۳:۴۷ • طلوع آفتاب ۵:۲۰

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

محمود فرشچیان به جهانِ دیگر شد

از ریشه‌ها تا آفاق نوین

سما بابایی

ایرانی میان معنا و هنر تفکیکی نیست. هنر و ادب فقط یک زبان بیانی نیست، بلکه تجلی‌گاه زیبایی‌شناسی اندیشه است، چنانچه در متون اوستایی، هنر را صاحب صفت «بهمن» دانسته و با خرد و فرزانی یکی می‌دانند. در چنین بستر نگاهی، فرشچیان «حکیم نقش» است چون جلوه‌های هنر ایرانی را به صورت عقلی و معنوی متجلی کرده است». در نگاه بلخاری، نسبت رنگ و نور در آثار استاد فرشچیان بیش از زیبایی‌شناسی است. این نسبت، میراثی تمدنی از مکتب‌های نگارگری (هرات، قزوین، اصفهان تا قاجار) و مفاهیم عرفانی ایرانی است: «استاد فرشچیان نه‌فقط یک نگارگر اعلا، بلکه حامل فرهنگی و فلسفی هنر ایرانی بود که سنت، نوآوری و حکمت را با هم عرضه کرده است». همچنین سید عبدالمجید شریف‌زاده، استاد دانشگاه، درباره جایگاه استاد فرشچیان گفت: «او تنها یک نگارگر، بلکه یک عارف، یک فیلسوف و یک پیام‌آور زیبایی بود که با هر تارش قلم، جهانی از معنا و معنویت را بر کاغذ می‌نشانَد. آثار او، تجلی‌گاه عشق الهی، شویردیکی عرفانی و اوج لطافت روحی بود که در رگ‌های هنر ایران جاری شد و جهانیان را انگشت به دهان گذاشت. او با خلاقیت بی‌نظیر و دستان هنرمندش، نگارگری را از شیوه‌های سنتی بیرون کشید. هر اثر او، داستانی از عشق و عرفان بود که بیننده را به سفری درونی فرامی‌خواند. او نه‌تنها ایران، بلکه جهان را با زیبایی آثارش مفتخر ساخت و نام خود را در تاریخ هنر جاودانه کرد. امروز، هرچند دل‌های‌مان از غم فراق او اندوهگین است، اما یاد و خاطره‌اش، الهام‌بخش



زمین‌خوانی

چرا زلزله شهریار اعلام نشد؟



مهدی زارع

اینکه در نزدیکی مناطق پرجمعیت باشند. دلیل این عدم گزارش نگرانی‌های عمومی غیرضروری است به‌ویژه در مناطق فعال لرزه‌ای که زمین‌لرزه‌های کوچک مکرر رخ می‌دهند. البته در بین هم ممکن است زمین‌لرزه‌های کوچک‌تر را در صورت احساس‌شدن یا نزدیکی به زیرساخت‌های حیاتی گزارش کنند. مرکز لرزه‌نگاری ایران (IRSC) وابسته به مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران اغلب زمین‌لرزه‌های زیر ۲.۵ را منتشر نمی‌کند. فعالیت لرزه‌ای بالا در بعضی نواحی ایران مانند منطقه زاگرس به این معنی است که روزانه زمین‌لرزه‌های کوچک زیادی رخ می‌دهد؛ گزارش همه آنها می‌تواند باعث هشدار بی‌مورد شود. سازمان مدیریت سوانح و فوریت‌های ترکیه (AFAD) گاهی اوقات زلزله‌های بسیار کوچک‌تر از ۲.۰ را فیلتر می‌کند، مگر اینکه در مناطق پرجمعیتی مانند استانبول باشند. دلیل این کار، اجتناب ایجاد وحشت در کشوری با زلزله‌های مکرر است. آژانس آب و هوشناسی ژاپن (JMA) بیشتر زلزله‌ها را گزارش می‌کند، اما زلزله‌های کوچک‌تر از ۱.۰ ممکن است به صورت عمومی گزارش نشود، مگر اینکه در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای یا مناطق شهری باشد. ژاپن بسیار لرزه‌خیز است و دارای یک شبکه لرزه‌نگاری مترکم است، اما از آشیاک‌کردن مردم با اخبار رویداد زلزله‌های کوچک اجتناب می‌کنند. سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده بیشتر زمین‌لرزه‌ها را گزارش می‌دهد، اما در برخی از مناطق نظامی با حساس هسته‌ای رویدادهای لرزه‌ای

۴۲ میلیارد تومان

سختگوی قوه قضائیه گفت: تاکنون ۴۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان به ۴۱ نفر از خسارت‌دیدگان پرداخت شده و حق بیمه تمامی ۵۸ متوفی نیز تسویه شده است.

یک میلیارد دلار

ترامپ خواستار جریمه‌ای سنگین به مبلغ یک میلیارد دلار برای مجموعه دانشگاه‌های ایالت کالیفرنیا شامل ۱۰ دانشگاه برجسته در شهرهای مختلف کالیفرنیا شده است.

طنزخوانی

گوگل حرف مفت زیاد می‌زند



آیدین سیارسیع

❖ اخیراً گوگل بیشترین جست‌وجوی ایرانی‌ها در خودش را اعلام کرده و باز هم بعضی از این منتقدها اومدن فریاد زنن که آی ما چرا باید این چیزا رو سرچ کنیم و آی ما چقدر بیچاره‌ایم و از این دست صحبت‌ها. حالا نتیجه چی بوده؟ ژنراتور برق! خدمت اون دسته از عزیزانی که خودتقیری می‌کنن عرض کنم ما وقتی سرچ می‌کنیم مهم نیست؟ ژنراتور برق! باشه میسر نیاز داریم. ما در واقع سرچ می‌کنیم ببینیم گوگل چقدر بلده، ما می‌خواستیم گوگل رو محک بزنین که اتفاقاً دیدیم زیاد آشنایی نداره. کلمه دیگه‌ای که زیاد سرچ شده، کلمه «قسطنی» بوده. حالا سؤال من اینه که خب، چی قسطنی؟ همینجوری قسطنی خالی؟ محصول نیست؟ فقط قسطنی باشه کافیه؟ که این هم تابلونه که گوگل از خودش درآورده. کلمه پرترکار دیگه تو سرچ گوگل «مهاجرت» بود. این هم مشخصاً چیزی رو نشون نمیده. گوگل اگه راست میکه میزان کلیک روی سایت‌ها رو نشون بده. طبق آماری که من شخصاً از تسوی لوزالمعده نازنینم درآوردم، سایت‌هایی که نوشتن «ایرانیان خارج از کشور فوج‌فوج به وطن مهاجرت معکوس می‌کنن» بیشترین کلیک رو داشتن. کلمه دیگه «طلاق» بوده. این هم کذب. اصلاً شما این روزها دور و برتون طلاق می‌بینید؟ حالا شاید یک‌سری بیان بکن جوونا اصلاً ازدواج نمی‌کنن که بخون طلاق بکیرن. ایسن هم کذب. جوون‌های ما همه بگیر و متعهدن، شرایط اقتصادی که کاملاً قسطنی باشه کافیه؟ همه چیز آماده تشکیل خانواده است. عبارت دیگه «وام» بوده که این هم چیز عجیب و غریبی نیست. بالاخره ما ۸۰ میلیون نفریم که در مسیر ثروتمندشدن هستیم. برای پولدارشدن هم از قدیم گفتن «باید به‌دکار باشی». الان وام می‌گیریم ۳۰۰ میلیون، پنج سال دیگه که با ۳۰۰ میلیون باستیل نوبشابه‌ای هم به آدم ندمین. پول رو پس میدیم. پس وام نشانه قدرت اقتصاد ماست. ما فقط در یک چیز ضعف داریم، اون هم اینه که لا الان نتونسیم موتور گوگل خودمون رو راه بندازیم. البته ما هم بیکار نتنستیم و پیشنهادهایی هم دادیم. گفتم وزارت ارتباطات یک بودجه تپیل بده به ما که گوگل داخلی راه بندازیم که فعلاً تا این لحظه وزارت محترم گول ما رو… چیز… یعنی فعلاً قبول نکردن. من می‌تونسم و امسا می‌کنم که اگه بدانم ما که موتور جست‌وجوگر رو راه بندازیم دیگه هیچ نشانی از طلاق وام و ژنراتور و گرما و بی‌آبی و مشکل و اینها نخواهید دید (چون اینا رو از قبل فیلتر می‌کنیم تو موتورمون. اصلاً نمی‌شه سرچش کرد). فقط تقاضایی که دارم اینه که به ما اعتماد کنن و این‌قدر دنبال حرف مردم… (امروز چقدر سه‌وتی می‌دم!) در واقع این‌قدر دنبال حرف چهار نفر خودکم‌بین! خودتحقیر ناشان! همین!

اندوه‌خوانی

واکنش اهالی فرهنگ و سیاست به درگذشت فرشچیان

❖ پس از اعلام خبر درگذشت محمود فرشچیان، اهالی سیاست و فرهنگ واکنش نشان دادند. خانه سینما و رئیس قوه قضاییه و جمع زیادی از مسئولان فرهنگ پیام‌هایی منتشر کردند. وزیر فرهنگ پس از درگذشت فرشچیان نوشت: «استاد فرشچیان، بدون هیچ شک، مصداق بارز هنرمند بزرگی بود که هنر ایرانی و اسلامی را در هم آمیخت و با نگاهی ژرف، آثاری آفرید که در حافظه تاریخی و عاطفی این سرزمین جاودانه شد. او نه‌فقط نگارگری چیره‌دست، بلکه معمار پیوند میان تاریخ و معنویت بود؛ هنرمندی که هر اثرش، تلفیقی از حکمت شرقی، زیبایی‌شناسی ایرانی و عمق باورهای دینی بود. آثارش فقط نقاشی نبودند، بلکه روایتی مصور از ایمان، عشق و هویت یک ملت بودند که با زبان رنگ و خط، برای همیشه در تاریخ ماندگار شدند».

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، درگذشت استاد فرشچیان را تسلیت گفت و نوشت: «فرشچیان نه‌تنها استاد یکی از ظریف‌ترین هنرهای سنتی ما بود، بلکه پلی بود بین گذشته و امروز که میراث معنوی و زیبایی‌شناسی فرهنگ ایران را پیش چشم جهانیان به تصویر کشید».

یادداشت

فرشچیان: محبوب‌عام

محترم نزد خواص

حسین گنجی

محمود فرشچیان بیش از آنکه پیرمردی در قباب تاریخ هنر باشد، جلوه‌ای بهشتی و ایمانی از هنر ایرانی بود؛ همان که سیدحسین نصر از آن به «هنر قدسی» یاد می‌کند. کسی که خطوط نرمش، رنگ‌های درخشان و خیال‌پردازی‌هایش عمق جان مخاطب را لمس می‌کرد؛ مثل استاد کهنه‌کار فرشبافی که ما را به باغ اختصاصی خود دعوت می‌کند. مخاطبی که در تنوع هنر سده اخیر ایران، سلیقه خود را نمی‌جست و فرشچیان یک‌تنه بار نگاه سمبلیک را بر دوش می‌کشید؛ سلیقه‌ای به سبک باغ ایرانی -شلوغ و پررنگ‌ولعاب- که عرفان، زیبایی‌شناسی و مذهب را در یک قباب، با درختان سر به فلک کشیده، پیران خردمند و زنان زیاروی گرد هم می‌آورد.

او نگارگری را به مسیر شخصی خود برد: چیزی شبیه روکوگوی ایرانی، پر از انحنای نرم، رنگ‌های موجدار و فیگورهایی که گویی در گردش بی‌پایان خطوط اسیرند. این ترکیب، گیج‌کننده و در عین حال مسحورکننده است.

در روایت‌های رسمی، خود می‌گوید آثارش «نوآوری در نگارگری معاصر است، به نحوی که نگارگری سنتی ایرانی را به سطحی جدید از زیبایی رساند». این نوآوری اما نه در رنژبیر تقلید نشسته بود، نه در غبار سنت مُهلک، بلکه در دل آزادی بود: آزادی تلاقی سنت صفوی با سلیقه روکوگوی غربی؛ جایی که فرش ایرانی هم در آن نقطه تلاقی قرار دارد. فرشچیان این سنت پرخط و رنگ و احتیانی نرم را به‌خوبی نمایندگی کرد؛ جایی که سلیقه عمومی مشتاق تماشاش آن است و در هنر مدرن، جای خالی‌اش حس می‌شد. در نقطه‌ای دیگر، فرشچیان گفته است تلاش نکرد «از استادان تقلید کند»، بلکه «خلق و طراحی کرد» و فقط زمانی ایراداتی می‌شنید که اثرش با اصل مقایسه می‌شد. این مواجهه فردی با استادان «اصل‌ها» یعنی فرشچیان در یک روایت، در امتداد سنت بود و در روایتی دیگر، بیرون از آن تلقی می‌شد.

آنچه اما فرشچیان را در چشم مخاطب عام به یک کاراکتر مقدس‌گونه بدل کرد -تا آنجا که گفته‌اند در خیابان‌دستش را می‌بوسیدند- خلابی بود میان هنر و عرفان؛ جایی که تصویر «ضامن آمو» یا «عصر عاشورا» دیگر از جنس نمایش نبودند، بلکه روح می‌خواستند و او این را به‌خوبی فهمید و کوشید در آثارش به نوعی سوررئالیسم جادویی ایرانی بدان بدمد.

با این همه، نقد هم هست. برخی می‌گویند فرشچیان، استاد گفتن مکرر همان داستان‌های بصری بود؛ زیبایی و شیوه‌ای که همیشه محبوب ایرانی است اما حرف تازه‌ای ندارد. او وجود استقبال عامه و یافتن مخاطبان خاص و پروپاقرص، این سبک شخصی تبدیل به مکتب نشد؛ احساسی که همه آن خطوط روان و رنگ‌های موجا، در دست‌های یک نفر تجلی یافت و نه در جریانِ ساختاری و مولد. شاید برای هنر ایران یک خسران باشد؛ خسرانی که طرفداران هنر مدرن و معاصر ایران چندان به آن قائل نباشند. اما تأمین‌کننده سلیقه بخش بزرگی از جامعه محسوب می‌شد.

با وجود همه این تعارض‌ها، فرشچیان ثابت کرد هنر ایرانی سنتی برآمده از امر قدسی، می‌تواند هم محبوب توده باشد و هم محترم گالری‌های جهانی؛ و این خود پدیده‌ای ستودنی است. آثار او در فضایی م‌گرفته و رویاگونه پذیرفته شد و جایش بیرون از دسته‌بندی‌های معمول هنر و نقد و نظرها بود. گویی مثل فرش‌های زیبای ایرانی، خارج از هنر، فقط با لفظ‌هایی چون «زیبا»، «مسحورکننده» و «بی‌نظیر» توصیف شد، به قاب نشست و خیلی زود راهی موزه‌ها شد؛ از موزه‌های هنر اسلامی و ایرانی تا موزه‌های هنر شرقی و مدرن جهانی. او مصداق نقاشی بود که م‌امور به وظیفه بود و نه نتیجه، و سعی کرد به کاری که به او سپرده شده بود، وفادار بماند و تا جایی که دست‌هایش یاری می‌کرد، آن را ادامه دهد؛ کاری که بخش عام جامعه از دیدنش لذت می‌برد.

۱۸ روز

آنتونی اگیلا، نظامی سابق آمریکایی که این روزها درباره شرایط سخت مردم غزه افشاکری می‌کند، گفت: «در ۷۳ روزی که من شاهد روند توزیع غذا بودم، فقط ۱۸ روز کمک به غزه رسانده شده است».